

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**بررسی تحلیلی مکاتب فلسفی – کلامی**

**در**

**حقوق عمومی**

**(بسته تخصصی امتحان جامع دکتری حقوق عمومی)**

**شامل:**

- درسنامه کاربردی
- تحلیل کاربردی (جهت امتحان جامع)
- خلاصه جزوات و مقالات

**به کوشش:**

**ابوالقاسم شم آبادی**

## فهرست مختصر مطالب

- سخنی با دانشجویان دکتری ..... ۵
- بخش اول: درسنامه کاربردی (مکاتب فلسفی و کلامی حقوق عمومی) ..... ۷
- بخش دوم: مکاتب کلامی از دیدگاه حقوق عمومی ..... ۵۷
- بخش سوم: خلاصه جزوات و مقالات اساتید ..... ۷۹
- بخش چهارم: اندیشه پردازان و تئوری‌های حقوق عمومی ..... ۱۱۳
- بخش پنجم: سوالات شبیه سازی شده امتحان جامع ..... ۱۵۰

## سخنی با دانشجویان دکتری

بعد از اینکه دانشجویان دکتری حقوق عمومی، واحدهای مربوط به دروس حضوری را تمام می‌نمایند (که اصولاً ۱۸ واحد می‌باشد) و به پایان ترم سوم خود می‌رسند؛ لازم است برای امتحان جامع آمادگی لازم را پیدا نمایند. البته شرط شرکت در امتحان جامع، مستلزم کسب نمره لازم در آزمون زبان عمومی است که هر یک از دانشگاه‌های مقررات خاص خود را نسبت به این آزمون دارند.

سرفصل‌های امتحان جامع برای دانشجویان دکتری، معمولاً شامل متون پیشرفته حقوقی، بررسی تحلیلی مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران و بررسی تحلیلی مکاتب فلسفی و کلامی در حقوق عمومی می‌باشد.

علی‌الیه، بررسی تحلیلی مکاتب فلسفی و کلامی در حقوق عمومی یکی از سرفصل‌های مهم در امتحان جامع دانشجویان دکتری حقوق عمومی می‌باشد و دانشجویان لازم است برای این سرفصل خود را آماده نمایند؛ مخصوصاً اینکه برای سرفصل‌های دیگر، دانشجویان عموماً مشکلی ندارند و می‌توانند مطالبی را که در طول سنوات مختلف آموزشی و یا مطالعاتی را در پاسخ به سوالات اساتید پرسش گر ارائه دهند؛ (حداقل داشته‌های سابق دانشجویان به این موضوع کمک می‌کند) اما در خصوص این سرفصل اصطلاحاً کمیت دانشجویان لنگ می‌زند؛ چرا که اگر دانشجو، با تک تک اندیشمندان و تئوری پردازان حقوق عمومی آشنا نباشد؛ نخواهد توانست در روز آزمون، دیدگاه‌های مختلط نظریه پردازان و همچنین مکاتب مختلف فلسفی و کلامی که در حقوق عمومی وجود دارد؛ مورد تحلیل قرار دهد. در نتیجه ممکن است؛ داوطلبان در امتحان جامع حقوق عمومی نمره مناسبی کسب نمایند و این موضوع ممکن است؛ باعث لطمه به دانشجویان شود؛ مخصوصاً اینکه هر ترم ما شاهد، دانشجویانی هستیم که به دلیل ضعف در متون حقوقی و یا سایر سرفصل‌های امتحان جامع نمره لازم را در امتحان جامع کسب نکرده‌اند؛ از این رو لازم است دانشجویان برای امتحان جامع فرصت کافی گذاشته و قسمتی از زمان‌های آزاد خود را به مطالعه اختصاص دهند. با توجه به مطالبی که بیان شد؛ جزوه‌ای که ارائه شده، بررسی تحلیلی مکاتب فلسفی و کلامی در حقوق عمومی نام داشته و از چند بخش تشکیل شده است:

- **درسنامه کاربردی**

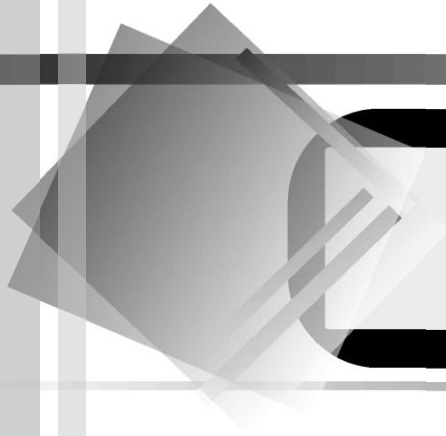
- **تحلیل کاربردی**

- **خلاصه مقالات و جزوات**

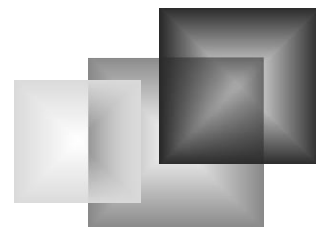
اما برای یادگیری مطالب بخش‌های فوق بهترین کار چیست؟ برای یادگیری موارد فوق، پیشنهاد می‌شود؛ دانشجویان معزز در هر روز نظرات چند تن از نظریه پردازان و همچنین مکاتب مختلف را یاد گرفته و در روزهای بعد، مباحثی که قبلاً مطالعه داشته‌اند؛ مورد مرور و تکرار قرار دهند تا بر مباحث مسلط شوند؛ البته دانشجویان در جریان این نکته هستند که مباحث فلسفی به دلیل فرار بودن، ممکن است بعد از چند روز به فراموشی سپرده شود؛ لذا پیشنهاد می‌شود در یک جزوه‌ای مجزا، دیدگاه هر یک از نظریه پردازان را به طور خلاصه در چند جمله یادداشت نمایند و به طور مرتب، آن را مطالعه نمایند. مسلماً رمز موفقیت در تسلط بر مباحث فلسفی و کلامی، یکی دقت و تمرکز در لحظات مطالعه و دیگری، مطالعه و مرور مستمر می‌باشد!

در پایان هرچند در تألیف این وجیزه، عالی‌ترین حد دقت به کار گرفته شده که این وجیزه به‌عنوان رفرنس اصلی در مطالعه دانشجویان دکتری حقوق عمومی قرار گیرد یک خواسته هم داریم مبنی بر اینکه اگر احیاناً اشتباهی و یا لغزشی در ارائه صحیح مطالب صورت گرفته (کما اینکه بدون نقص تنها ایزد باریتعالی است) در هنگام مطالعه علامت زده و به اطلاع نویسنده از طریق آی دی تلگرام و یا ایمیل زیر<sup>۱</sup> برسانید. مسلماً کمک شما است که محتوای جزوه را غنی‌تر و پخته‌تر می‌کند.

### ابوالقاسم شم آبادی



**بخش اول:**  
**درسنامه کاربردی**  
**(مکاتب فلسفی و کلامی حقوق عمومی)**



## مفهوم مکاتب فلسفی و کلامی در حقوق عمومی

### مفهوم مکاتب فلسفی

**مفهوم مکاتب:** مکاتب جمع مکتب و مکاتب به معنای نظریات و اندیشه‌هایی است که در خصوص مباحث فلسفی وجود دارد.

**مفهوم فلسفه:** فلسفه، تلاشی است برای وحدت دادن به حیات، زندگی را در کل نگریستن. تعریف فوق بوسیله تعدادی از فیلسوفان والبتنه نه همه آنها مطرح شده است. به عنوان مثال پیائزه فلسفه را به شرح زیر تعریف نموده است.

«فلسفه به بررسی همزمان بسیاری از نمایه‌های واقعیت می‌پردازد تا تصویری کلی از جایگاه انسان در جهان و درک مقصد زندگی ارائه دهد. درک واقعیت‌ها به روش‌های گوناگونی امکان پذیر می‌باشد و مهمترین رهیافت، تفکر منطقی است. فیلسوف نمایه‌های متنوعی از واقعیت مشاهده می‌نماید. آنها را ارزیابی می‌کند و بعد از تفکری دقیق و سیری عقلانی به موقعیتی فلسفی از جوهره واقعیت طبیعت انسان دست می‌یابد. روش و رهیافت ضمن کلی بودن، ذهنی می‌باشد.»

کلمه فلسفه از دو کلمه یونانی *Philia* به معنای دوست داشتن و *Sophia* به معنای خرد، حاصل آمده که به معنای دوستدار خرد است.

**تعریف مشائی از فلسفه:** «علم بأحوال أعيان الموجودات علی ما هی فی نفس الأمر بقدر الطاقه البشریه» (فلسفه عبارت است از علم به ذات و صفات و احکام و احوال کلیه موجودات است بدان گونه که هستند) که ظاهراً یک تعریف مشائی از فلسفه است

**نظرات فارابی و ملاصدرا در خصوص مفهوم فلسفه:**

فلسفه به: «صیوروه الإنسان عالماً عقلياً مضاهياً للعالم العینی»؛ (یعنی در انسان تحولی پیدا شود که به تدریج به عالم عقل راه پیدا کرده و مشابه عالم خارج گردد) که در کلمات فارابی و ملاصدرا دیده می‌شود

### مفهوم مکاتب کلامی:

علم کلام، علمی است که درباره عقاید دینی بحث کرده، درباره آنها استدلال و از آنها دفاع می‌کند. علم کلام به یکی از دو معنای زیر اطلاق می‌گردد:

- الف: مباحث و گفتگوهای اعتقادی به یکی از صورت‌های سه گانه:
  - ۱- آموزش و تعلیم، ۲- پرسش و پاسخ، ۳- مناظره و مجادله، بدون پدید آمدن عقاید و مذاهب کلامی.
  - ب: مباحث کلامی به گونه‌های یاد شده، با توجه به ظهور عقاید و مذاهب مختلف کلامی.
- منظور از مکاتب کلامی، فرقه‌ها و نظریات مختلف و متعدد کلامی بوده که در خصوص مباحثی مانند عدالت، آزادی و برابری شکل گرفته است.

### مفهوم مکاتب فلسفی – کلامی در حقوق عمومی:

اندیشه‌های فلسفی- کلامی حقوق عمومی، بر محورهای متعددی استوار است. به تعبیری این اندیشه‌ها و مکاتب را می‌توان عبارت از تئوری‌ها و دیدگاه‌هایی دانست که تأسیس بسیاری از اصول سیاست و حقوق عمومی را بر بنای خود توجیه می‌کند. مکاتب در حقوق عمومی، گرچه ارتباط وثیق و وابستگی تامی با حوزه «تاریخ حقوق عمومی» دارد، مع الوصف از حوزه‌هایی است که کمتر در خصوص آن صحبت شده است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - منبع مطلب برای مطالعه بیشتر:

قائم خرق سیدمحسن و مددی مهدی، مکاتب فلسفی - کلامی حقوق عمومی (معمماها، بسترها و مصادیق در غرب و الاهیات سیاسی اسلام)، همایش: جشنواره تالیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی - جایزه ویژه علامه جعفری (ره)، سال: ۱۳۹۷

## انواع مکاتب حقوقی:

در یک تقسیم بندی کلی مکاتب حقوقی به دو دسته ی مکاتب توصیفی- تحلیلی و مکاتب حقوقی هنجاری-تجویزی تقسیم می شود.

### مکاتب حقوقی توصیفی - تحلیلی:

این مکاتب حقوق را **آن گونه که هست** توضیح می دهند؛ به بیان دیگر، ماهیت نظام حقوقی علتها و ریشه های اجتماعی، سیاسی و تاریخی آن را آن گونه که در جامعه شکل گرفته توضیح می دهند. هیچ توصیه و رهنمودی ارائه نمی دهند و به همین دلیل به آنها **تئوری های ناب حقوقی** می گویند؛ چرا که بنا ندارند برای نظام حقوقی نسخه ای بپیچند. انواع این دسته از مکاتب عبارتند از:

- مکتب حقوق وضعی؛
- مکتب پوزیتویسم حقوقی؛
- مکتب اثباتی.

و

و

و

و..... در متن اصلی کتاب، ادامه دارد....

**بخش دوم:**  
**مکاتب کلامی**  
**از**  
**دیدگاه حقوق عمومی**

## مکاتب کلامی

مقدمه:

علم کلام به یکی از دو معنای زیر اطلاق می‌گردد:

**الف: مباحث و گفتگوهای اعتقادی به یکی از صورتهای سه گانه: ۱- آموزش و تعلیم، ۲- پرسش و پاسخ، ۳- مناظره و مجادله، بدون پدید آمدن عقاید و مذاهب کلامی.**

**ب: مباحث کلامی به گونه‌های یاد شده، با توجه به ظهور عقاید و مذاهب مختلف کلامی.**

### انواع مکاتب کلامی:

در جهان اسلام، مذاهب و فرق کلامی متعددی پدید آمد، که برخی از آنها عبارتند از: قدریه، مرجئه، جبریه، معتزله، زیدیه، کرامیه، اشعریه، ماتریدیه، امامیه و... از میان این مذاهب، امامیه، معتزله، اشعریه و ماتریدیه از اهمیت و شهرت بیشتری برخوردار بوده و دارای روشها و مبانی ویژه‌ای می‌باشند که می‌توان آنها را مکتب‌های کلامی عمده در دنیای اسلام دانست. بدین جهت لازم است به اختصار با ویژگی‌های هر یک از آنها از جنبه‌های مختلف آشنا گردیم. نخست به بررسی مکتب کلامی معتزله می‌پردازیم:

### ۱- معتزله

و

و

و

و..... در متن اصلی کتاب، ادامه دارد....



## مطلب تکمیلی:

### تطور علم کلام و طرح مسائل جدید کلامی

شکی نیست که علم کلام-بسان علوم دیگر-در طول تاریخ خود تطوراتی را پشت سر گذاشته و مسائل جدیدی را در دامان خودپرورش داده است. ماهیت و رسالت علم کلام ایجاب می‌کند که متحول و پویا باشد تا بتواند پاسخگوی پرسشها و شبهات و اشکالات جدید در زمینه عقاید دینی باشد و بدین طریق به مهمترین رسالت خود جامه عمل پوشاند. **کلام جدید یا مسائل جدید کلامی** تحول و پویایی علم کلام-چنانکه برخی توهم کرده‌اند-به این معنا نیست که ماهیت این علم متحول گردیده، و علم کلام جدیدی با موضوع و غایت دیگری پدید آمده است. موضوع و غایت علم کلام هر چه هست ثابت و باقی است، حتی روشهای کلی بحثهای کلامی نیز ثابت می‌باشند. یعنی متکلم نسبت به اهداف ویژه خود یکی از روشهای استدلال را که در علم منطقی بیان شده است بکار می‌گیرد، و این امری است که متکلمان قدیم و جدید نسبت به آن یکسان می‌باشند. مقصود از تحول و پویایی علم کلام این است که متکلم مسائل جدید کلامی را به خوبی بشناسد و با بهره‌گیری از روشهای مناسب به بررسی آنها بپردازد.

و

و

و

و..... در متن اصلی کتاب، ادامه دارد....

**بخش سوم:**  
**خلاصه جزوات و مقالات اساتید**

## اول: جامعه مدنی از دیدگاه مکاتب فلسفی

( دکتر سید محمد هاشمی )

مقدمه: انسان اجتماعی

اول - جامعه مدنی

انسان اجتماعی مجموعاً دربرگیرنده پدیده ای به نام جامعه می‌باشد. این جامعه، یا برآیند معاشرت جویی طبیعی انسان‌ها است که آن را جامعه طبیعی می‌نامند و یا انسان‌ها به خاطر علایق و منافع مشترک و گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و حتی عقیدتی که دارند با به کار انداختن اندیشه و هنر خود آن را بنا می‌نهند که اصطلاحاً "**جامعه مدنی**" نامیده می‌شود. این جامعه ممکن است همسان یا نقطه مقابل "**جامعه سیاسی**" نامیده شود.

دوم - جامعه مدنی در اندیشه‌های سیاسی

الف - فلاسفه قدیم یونان و جامعه سیاسی

یونان قدیم گونه ای از زندگی شهری سامان یافته را نوع تکامل یافته زندگی شهری به نام "**دولت - شهر**" در نظر می‌گرفتند و آن را مایه زندگی خوب و شایسته می‌دانستند.

افلاطون و ارسطو این اشتراک را در نظر داشتند که چون **انسان ذاتاً حیوان اجتماعی است**، جامعه سامان یافته شهری یک نهاد شهری به حساب می‌آید.

### افلاطون

به نظر افلاطون، کشور و دولت برای این وجود دارد که در خدمت نیازهای انسان باشد. زیرا آدمیان از یکدیگر بی نیاز هستند و یار و یاور یکدیگرند. در مدینه مورد نظر افلاطون "**خیر و مصلحت عموم**" منظور اصلی است و بدین منظور وجود حکومت و قانون ضروری می‌باشد. حکومت می‌تواند در اختیار یک تن، تنی چند و یا عامه مردم باشد. در صورت رعایت قانون حکومت فردی بهترین نوع، حکومت تنی چند در مرتبه دوم و حکومت عام بدترین نوع خواهد بود. برعکس اگر جامعه بی‌قانون باشد، بدترین نوع، حکومت فرد خود کامه و ستمگرا است، در حالی که حکومت عامه کمترین بدی را داراست.

بدین ترتیب از نظر **افلاطون**، دموکراسی از همه حکومت‌های قانون مند بدتر و از همه حکومت‌های بی‌قانون بهتر است.

### ارسطو

از نظر **ارسطو** نیز انسان مدنی الطبع است.

با پیوند چند خانواده دهکده و با پیوند چند دهکده مدینه (شهر) پدیدار می‌شود. این پدیداری آفریده طبیعت است و انسان بالطبع حیوان سیاسی است. به این ترتیب کسی که نمی‌تواند با دیگران زیست کند یا چندان به ذات خویش متکی است که نیازی به همزیستی با دیگران ندارد، عضو شهر نیست و از این رو، یا باید "دد" باشد یا "خدا"

غرض دولت یا جامعه سیاسی عبارت از **تحصیل بزرگ‌ترین خیر در بالاترین صور آن برای اعضای جامعه سیاسی** است. حکومت که بالاترین مرجع قدرت در تشکیلات قدرت است، به ناچار باید در دست شخص واحد (پادشاهی) **عده معدودی از اشخاص (آریستوکراسی)** یا عده کثیری از همان اشخاص (جمهوری) باشد.

در تمام این اشکال، اگر **قصد اعمال قدرت تأمین منافع شخصی باشد** همه‌شان منحرف هستند.

و

و

و

و..... در متن اصلی کتاب، ادامه دارد....

## خلاصه کتاب حقوق بشر و آزادی‌های عمومی

دکتر سید محمد هاشمی

دیدگاه فلاسفه قدیم

✍️ فلاسفه مغرب زمین

جایگاه انسان از نظر فلاسفه یونان

زنون (۳۴۰-۲۷۰ ق.م)

اعتقاد زنون مبتنی بر برابری ماهوی انسان‌هاست. پس هیچ کس به طور طبیعی برده نیست بلکه برده کارگری است که تمام عمر به مزدوری گرفته شده است.

سیسرون (۱۰۶-۴۳ ق.م)

سیسرون از جمله رومیان اهل معرفت است که به آیین رواقی دل بست و در پرورش آن کوشید. سیسرون به کائنات عقیده داشت و پیرو یک قانون یا مجموعه قوانین است.

و

و

و

و..... در متن اصلی کتاب، ادامه دارد....

## جزوه مکاتب فلسفی حقوق (دکتر مهدی هداوند)

دیدگاه مکاتب فلسفی و همچنین حقوقی و نظرات طرفداران این مکاتب به شرح ذیل قابل تقسیم بندی است:

### بررسی تحلیلی مکاتب حقوق طبیعی:

#### مکاتب حقوقی طبیعی سه نوع نظام ارزشی را مطرح می کنند:

#### ۱. طبیعت ۲. الهی ۳. عقلی.

قدیمی ترین مکتب در حقوق طبیعی ارزشهای خود را از طبیعت می گیرد. حقوق طبیعی به معنای ریشه ای، طبیعت را دارای قواعدی می داند که نظام حقوقی نمی تواند از آن قواعد فاصله بگیرد. استانداردهایی در نظام طبیعی وجود دارد که نظام حقوقی مکلف به تبعیت از آن است.

معتقدین به حقوق طبیعی عقیده دارند که رفتار طبیعت یک رفتار عادلانه و منصفانه است، به عنوان مثال وقتی آتش می سوزاند فرقی برای او بین انسان ها وجود ندارد، مسلمان، کافر، زن، مرد و ... رفتار طبیعت یک رفتار برابر است.

درحقوق جزا این قاعده آن قدر اهمیت داشته که یکی از روش های قضاوت، روش استفاده از آتش بوده است. (داستان حضرت ابراهیم) یا داستان سیاوش در ادبیات فارسی. بنابراین نظام حقوقی هم نباید تبعیض آمیز رفتار کند. اصل برابری افراد در مقابل قانون است. این که جنس، رنگ، نژاد، مذهب نباید مبنای تبعیض باشد، از مبانی مکتب حقوق طبیعی است.

#### سیسرو:

یکی از صاحب نظران این مکتب سیسرو است. او طبیعت محور و عقل محور است. وی می گوید: عقل انسان می تواند قواعد نظام انسانی را از طبیعت استخراج کند. اصولی که وی اعتقاد داشت این بود که حقوق یک پدیده عقلانی است و عقل انسان این توانایی را دارد که با نگاه به طبیعت قواعد حقوقی را استخراج و تفسیر و تبیین نماید.

وی معتقد بود از آن جا که طبیعت در همه جا یکسان عمل می کند، بنابراین قواعد حقوقی مستخرج از طبیعت لامکانی و لازمانی هستند و مربوط به جغرافیای خاصی نبوده و در نتیجه جهانشمول هستند. این جهانشمولی قواعد حقوقی نه تنها در مکاتب طبیعی، بلکه در مکاتب وحیانی و فطری نیز وجود دارد. بنا به نظر وی قواعد حقوقی یک نظام تغییر ناپذیر است و وضع هر قاعده حقوقی مخالف، نادرست است. قواعد حقوقی باید با طبیعت به مفهوم عام و انسان به مفهوم خاص هماهنگ باشد، چون طبیعت جهان اکبر و انسان جهان اصغر است. انسان نماد جهان هستی است و از این جهت سیسرو به مکاتب فکری نزدیک می شود.

اگر بپذیریم که قاعده های حقوقی باید با طبیعت انسان هماهنگ باشد، پس نمی تواند غیر اخلاقی و ناسالم باشد. وجدان، عدالت و آزادی را انکار نمی کند. قواعد حقوقی چون منطبق با انسان است، وجدانی، اخلاقی و شهودی است. انسان ها در پس ذهن خود قائل به قاعده اخلاقی هستند، پس یک قاعده غیر اخلاقی مورد قبول انسان نیست.

سؤال مطرح این است که نقش قانون گذار در این میان چیست؟

سیسرو می گوید نهاد قانونگذار، کارش وضع یا رفع قاعده حقوقی نیست، چون وضع و رفع آن بر عهده طبیعت است. کار قوه مقننه، شناسایی و اعلام قاعده حقوقی است و به تعبیر دیگر در عرصه حقوق بین الملل، این دولت ها نیستند که قاعده حقوقی را وضع می کنند، بلکه کار دولت ها شناسایی و اعلان و تضمین اجرای قاعده های حقوقی است. بنابراین قاعده های حقوقی، فرا وضعی و فرا قراردادی هستند. محصول قرارداد و وضع، دولتها نیستند و حتی از طریق قرارداد هم نمی شود، قاعده حقوقی را نقض و یا مغایر آن عرف یا معاهده ایجاد کرد.

و

و

و

و..... در متن اصلی کتاب، ادامه دارد....

## جزوه انواع مکاتب فلسفی

### \* هرمنوتیک:

هرمنوتیک (Herméneutique) به معنای خبردادن و ترجمه کردن و تعبیر کردن، علم یا نظریه تأویل است. علمی که مسئله فهم متون و چگونگی ادراک و فهم و روند آن را بررسی می‌کند. این عنوان از قرن هفدهم کاربرد یافته‌است، اما تازه در آغاز قرن نوزدهم است که با تلاش فکری فردریک شلایرماخر رواج عمومی می‌یابد. یکی از منتقدان سرسخت هرمنوتیک، هانس آلبرت، خردگرای انتقادی آلمانی است.

### \* پراگماتیسم:

پراگماتیسم یا عمل‌گرایی (pragmatism)، به معنی فلسفه اصالت عمل و روشی در فلسفه مدرن است که با اعتراف به غیرممکن بودن اثبات بعضی مسائل، آن‌ها را با توجه به کاربردشان در زندگی انسان می‌پذیرد. طرفداران این شیوه، خود را عمل‌گرا و متسامح می‌دانند. مخالفان، این گروه را میان‌رو (یا محافظه‌کار) و منفعت‌طلب می‌خوانند. از دیدگاه پراگماتیسم، کلیه تصورات، مفاهیم، قضاوت‌ها و نظرات ما قواعدی برای «رفتار» (پراگمای) ما هستند، اما «حقیقت» آن‌ها تنها در سودمندی عملی آن‌ها برای زندگی ما نهفته است. از دیدگاه پراگماتیسم، معیار حقیقت، عبارت است از سودمندی، فایده، نتیجه و نه انطباق با واقعیت عینی. در واقع حقیقت هر چیز بوسیله نتیجه نهائی آن اثبات می‌شود.

دولت‌مردان و سیاست‌مداران «پراگماتیست» به کسانی اطلاق می‌شود که امکانات عملی و مصلحت روز را بر معتقدات خود مقدم می‌شمارند و به عبارت دیگر برای پیش‌رفت مقاصد خود یا ماندن بر مسند قدرت، انعطاف نشان می‌دهند.

و

و

و

..... در متن اصلی کتاب، ادامه دارد....

## **بخش چهارم:**

**اندیشه پردازان و تئوری‌های حقوق عمومی**

## اندیشه پردازان و تئوری‌های حقوق عمومی

### جان لاک

**جان لاک در کتاب رساله‌ای در باب حکومت مدنی اندیشه خود را بر چهار پیشنهاد بنا می‌نهد:**

- **اول:** در حالت طبیعی انسانها آزاد و برابر بودند.
- **دوم:** انسانها تصمیم گرفتند حکومت یا جامعه مدنی ایجاد کنند.
- **سوم:** اهداف این حکومت تضمین حقوق شهروندان است و این وظیفه را قدرت بر عهده می‌گیرد.
- **چهارم:** در صورتی که صاحبان قدرت حقوق شهروندان را تضییع کنند؛ افراد مکلف به شورش مقدس خواهند بود. البته این نظر که شورش شود چون برای کشورها هزینه در بر دارد؛ **نظریه سپهر عمومی و یا جامعه مدنی** را ایجاد کرده‌اند. «نقد رفتار حکومت در مجامع عمومی و نزد گروه‌های مختلف {اعم از دانشگاهیان و...} و گسترش این افکار در جامعه با تاثیر بر قدرت و ایجاد یک سپهر در برابر اقدامات دولت از طریق نقد» در نظریه قرارداد اجتماعی برای تشکیل دولت، توافق جمعی مردم با حاکمان: **جنبه فرضی دارد و مقطع زمانی خاصی را نمی‌توان برای آغاز دولت و انعقاد چنین توافقی یافت.**

**جان لاک استدلال می‌کند به سه دلیل دولت نباید مطلق‌گرا باشد:**

- **اول:** آزادی‌ها و مالکیت دو ارزش بنیادینی هستند که قدرت دولت را محدود می‌کنند.
- **دوم:** اینکه دولت در راستای هدف خود یعنی حفظ جامعه یا همان ثروت و خیر عمومی فعالیت می‌کند.
- **سوم:** جان لاک اعتقاد زیادی به آثار و منافع قانون دارد.

بنابراین اندیشه وی به تعبیر مارسل پرلو **یک آنتی هابز** است و جان لاک **نظریه تفکیک افقی قوا را قبول دارد** که در این **تفکیک سه قوه برتری بر یکدیگر ندارند**. ضمناً از نظر جان لاک قضاییه جزو قوا محسوب نشده و اقدامات این دستگاه اصلاً حاکمیتی نیست بلکه همانند مباحث حقوق خصوصی (مانند مصالحه و داوری) به خود شهروندان مربوط است. بنابراین به جای قضاییه وی پیشنهاد می‌کند **قوه سوم؛ قوه فدراتیو است که جنگ و صلح و امور خارجه و قراردادهای بین‌المللی را بر عهده دارد.**

### هگل

هگل نظریه پرداز **دولت عقلانی** است. در مورد تفکیک قوا نظرات هگل به منتسکیو نزدیک‌تر است، در دولت قوای متعددی است؛ قدرت مقننه و اجرائی که بایستی همدیگر را کنترل کنند. هگل معتقد است که باید نهادی میان قوه‌ها ارتباط برقرار کند و او نظام پادشاهی را بهتر می‌داند که می‌تواند ارتباط بین آن نهادها را بهتر برقرار سازد. تاکید هگل بر ملت‌ها، همواره با تصور خاص وی از آزادی، ستایش او را نسبت به دولت توضیح می‌دهد که این امر جنبه مهمی از فلسفه هگل است. وی برای دولت همان مکانی را قائل است که آگوستین و اخلاف کاتولیک او برای کلیسا قائل بودند، اما در آخر به نظر هگل چیزی نیست که بد باشد، یا بر ما لازم باشد که خواهان امحای آن باشیم. غرض از وجود دولت، تنها پشتیبانی از جان و مال افراد نیست، که این امر جنگ را اخلاقاً توجیه می‌نماید. به نظر هگل با این توضیحات جنگ را نباید شر مطلق یا امری تصادفی دانست یا به عنوان چیزی در نظر گرفت که علت آن در جایی است که نباید باشد.

و

و

و

و..... در متن اصلی کتاب، ادامه دارد....



## بخش پنجم:

سوالات شبیه سازی شده  
امتحان جامع

## □ از نظر گادامر در خصوص هرمنوتیک فلسفی، پیش‌داوری‌ها چند قسم‌اند؟

به عقیده گادامر پیش‌داوری‌های دخیل در فهم، انواع گوناگونی دارند:

دسته‌ای از پیش‌داوری‌ها پرسش‌هایی هستند که مفسر با آنها سراغ متن یا واقعیت می‌رود و می‌خواهد پاسخ آنها را دریابد. طبیعتاً این پرسش‌ها، که بر اساس دغدغه‌های مفسر و تحت تأثیر عوامل گوناگون شکل گرفته‌اند، از فردی به فرد دیگر متفاوت‌اند. محض نمونه، یک فیلسوف و یک غیر فیلسوف، در مواجهه با یک متن، پرسش‌های متفاوتی دارند. همچنین در میان فیلسوفان نیز، پرسش‌های فیلسوف معاصر با پرسش‌های فیلسوف هزار سال پیش فرق می‌کند؛

دسته‌ای دیگر از پیش‌داوری‌ها، حب و بغض‌ها و گرایش‌های مفسرند، که در فهم او تأثیر می‌گذارند. از باب مثال، مفسر ممکن است در تفسیر گفتار و رفتار بستگان خود، متفاوت با دیگر افراد جامعه عمل کند. همچنین علایق مذهبی، قومی، حزبی و مانند اینها، در فهم گفتار و کردار مخالفان و موافقان تأثیر می‌گذارند؛

دسته‌ای از پیش‌داوری‌های فهم نیز، تحت تأثیر ویژگی‌های فردی مفسرند. بدین ترتیب، فهم افراد زودباور با دیرباور، خوش‌گمان با بدگمان، و مردان با زنان متفاوت است، و به دلیل وجود این اختلاف‌ها، فهم افراد متفاوت می‌شود؛

افزون بر اینها، انتظارات مفسر نیز در نوع فهم او تأثیر می‌گذارند، و در نتیجه، تفاوت انتظارات سبب برداشت‌های مختلف می‌شود. مثلاً وقتی منتظر آمدن شخص خاصی هستیم، و به ما می‌گویند «آمد»، چنین برداشت می‌کنیم که همان کسی که منتظرش بودیم آمده است، و در صورتی که شخصی دیگر در انتظار فرد دیگری باشد، ممکن است او از همین سخن، چنین برداشت کند که همان کسی که او در انتظارش بوده آمده است.

هرمنوتیک فلسفی در توجیه اختلاف افراد در پیش‌داوری‌ها معتقد است این پیش‌داوری‌ها، حاصل اثرپذیری فرد از جامعه و محیط پیرامون خویش، و نیز اثرپذیری افراد جامعه از پیشینیان خود و محیطی است که در آن زندگی کرده‌اند؛ و مجموع همه این امور در طول تاریخ در ذهن مفسر انباشته شده‌اند. گادامر مجموع این پیش‌داوری‌های مفسر را «افق معنایی» او می‌نامد.

دیدگاه گادامر را در باره اثرپذیری از پیش‌داوری‌ها می‌توانیم در قالب چنین مثالی توضیح دهیم: انسان مانند یک تکه چوب نیست که در گذر زمان، از آداب و رسوم، سنت‌ها و گرایش‌ها، حب و بغض‌ها و مانند آن اثر نپذیرد، بلکه همچون حوضچه آبی است که پارچه‌های رنگین وارد آن می‌شوند، و بر رنگ آب اثر می‌گذارند. پس هیچ یک از ما، فرد سال گذشته، و حتی فرد دیروزی نیستیم، بلکه وجود ما وجودی سیال است، و پرسش‌ها، علایق و نگرش‌های ما نیز در گذر زمان تغییر می‌کنند؛ هر چند گاه به دلیل آرام بودن تغییرات، متوجه آنها نشویم. به موجب همین اثرپذیری، ویژگی‌های هر فرد نیز در هر زمان، غیر از ویژگی‌های او در زمان قبل و بعد خواهد بود، و از این رو، تمام پیش‌داوری‌های انسان تحت تأثیر سنت، و دائماً در حال تغییرند، و همین امر سبب می‌شود در هر زمان، معنایی جدید از متن برداشت شود.

بدین ترتیب، انواعی از پیش‌داوری در فهم مفسران از متن یا واقعیتی که با آن روبه‌رو شده‌اند، تأثیر می‌کنند، و پیش‌داوری‌های افراد، با اثرپذیری از سنت و تاریخ با یکدیگر متفاوت است.

## □ طرفداران نظریه تعدد قرائت‌ها چگونه برای تأیید اندیشه خود از هرمنوتیک فلسفی کمک می‌گیرند؟

هرمنوتیک فلسفی در فرایند فهم متون و واقعیات دیدگاهی خاص دارد، که طبق آن، هیچ فهمی بدون پیش‌داوری ممکن نیست؛ پیش‌داوری‌های افراد متفاوت، و همواره در حال تغییر است؛ و در نتیجه، برداشت‌ها و فهم‌های ایشان از یک متن نیز کاملاً متفاوت خواهد بود. بر پایه این دیدگاه، یک متن به تعداد خوانندگانی که به آن مراجعه می‌کنند، ممکن است قرائت‌های متعدد داشته باشد که هیچ یک بر دیگری ترجیح ندارد، بلکه همگی در عرض یکدیگر معتبرند. طرفداران تعدد قرائت‌ها همین سخن را در باره فهم قرآن و متون دینی روا دانسته و معتقدند هر فردی، با توجه به ذهنیت‌ها و پیش‌داوری‌های خویش می‌تواند برداشتی متفاوت از فرد دیگر داشته باشد، و دلیلی بر ترجیح دادن یک برداشت بر برداشت‌های دیگر وجود ندارد.

و

و

و

و..... در متن اصلی کتاب، ادامه دارد....